

موضوع: مراجعه ۴۹

مراجعه ۴۹ و پاسخ اشکالات اعظمی

شیخ سلیم در مراجعه ۴۹ بیان کردند که روایاتی که در مورد امیرالمؤمنین (ع) آورده اید بیان گر فضایل آن حضرت است اما دیگر بر امامت ایشان دلالتی ندارد.

ابومریم اعظمی در نقد سخنان شیخ سلیم گفته است: اولاً برخی از آنچه شما گفته اید اظهار نظر تابعین و اهل حدیث است که به درد رافضه نمی خورد. ثانیاً: سه روایتی که از ابن عباس بیان شده از جهت سند ضعیف است.

در پاسخ گفته شد: اول اینکه در مورد سه حدیث ابن عباس، بر فرض اینکه سند آنها ضعیف باشد، اما از آنجا که مضمون آنها در جاهای دیگر اثبات شده است، ضعف آنها جبران می شود و خللی ایجاد نمی کند. از جمله آیه ولایت است که بیان می کند امیرالمؤمنین (ع) بعد از پیامبر اکرم (ص) دارای مقام ولایت هستند و در راس سایر مؤمنون قرار دارند. آیه مباحله نیز بیان می کند که امیرالمؤمنین (ع) همانند نفس پیامبر (ص) است و چون پیامبر اکرم (ص) بر همه صحابه برتر است، امیرالمؤمنین (ع) هم اینگونه است.

دوم اینکه عباراتی که از برخی تابعین یا ائمه حدیث اهل سنت نقل شده، بیان گر برتری امیرالمؤمنین (ع) بر دیگر صحابه پیامبر (ص) می باشد و صرفاً بر فضیلت هایی در تراز فضیلت های دیگر صحابه دلالت نمی کند. امام احمد بن حنبل با صراحت بیان کرده که برای هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) فضیلت هایی مانند فضیلت های علی ابن ابی طالب (ع) نقل نشده است.

عمود خیمه انقلاب و نعمت بزرگ رهبری

از امام احمد بن حنبل درباره علی (ع) و معاویه سوال شد، گفت: «علی (ع) دشمنان بسیاری داشت. آنان از معایب وی جست و جو کردند اما چیزی نیافتند، لذا مکر و حيله کردند و به مردی که با او در جنگ بود توجه کردند و او را مدح و ستایش نمودند.

یکی از عنايات الهی در عصر ما، وجود رهبر عزیز ما است که دشمن خیلی دارند. ایشان استخوان در گلوی استکبار است، یکی از لندن نشینان چندی قبل گفته بود: در مورد آیت الله خامنه ای حتی یک نقطه خاکستری هم نمی توان پیدا کرد چه رسد به نقطه منفی.

ایشان انسانی ساده زیست و مجاهد هستند. دشمن دشمن است، در مورد امیرالمؤمنین (ع) کاری کردند که وقتی آن حضرت در محراب به شهادت رسید گفتند مگر علی (ع) هم نماز می خواند!! اما اینکه عده ای جوان گمراه شوند و به مقام رهبری توهین کنند خیلی ناراحت کننده است. ایشان عمود خیمه انقلاب و عامل امنیت این کشور هستند. اگر کسی ملی گرا هم باشد نباید این جایگاه را تضعیف کند. آقای نصیریان که از هنرمندان است در جمله زیبایی گفته بود: رهبر انقلاب، پدر این ملک است و اگر فرزند جاهلی حرمت این پدر را بشکند به کل خانواده ضربه و زیان زده است.

رهبر یک انسان جامع هستند و آنچه خوبان همه دارند یکجا دارد، لذا باید برای سلامتی ایشان دعا کرد. در عصر غیبت که از زیارت امام عصر (عج) محروم هستیم، وجود نائب ایشان مغتنم است.

شواهد و مؤیدات

این مطلب که امیرالمؤمنین (ع) دارای فضیلت های بسیار و بی مانندی بوده است در میان عالمان برجسته اسلامی طرفداران بسیاری داشته است که در این جا چند نمونه را بازگو می کنیم:

۱. سلیمان بن طرخان^۱ (م ۱۴۳ هـ) از علمای تابعین گفته است: «علی بن ابی طالب (ع) یکصد و بیست منقبت (فضیلت) داشت که هیچ یک از اصحاب در آنها با او شریک نبودند، اما او در مناقب و فضایل دیگران با آنان شریک بود»^۲.

۲. سلیمان بن مهران اعمش^۳ (م ۱۴۷ یا ۱۴۸ هـ) در پاسخ منصور دوانیقی که از او پرسید: چند حدیث درباره فضایل علی (ع) روایت کرده اید، گفت: ده هزار حدیث (عشرة آلاف)^۴.

۳. ابوالطفیل (صحابی) از برخی از اصحاب پیامبر (ص) روایت کرده که گفته است: «لقد جاء فی علی من المناقب ما هو ان منقبا منها قسم بین الناس لأوسعهم خیرا»^۵: علی ابن ابی طالب (ع) دارای مناقب و فضایلی بود که اگر یکی از آنها در میان همه انسان ها تقسیم شود، همگی از خیر بهره مند می گردند.

۴. از ابو عبد الرحمن (صحابی) سوال شد آیا ما را از فضایل علی بن ابی طالب (ع) آگاه نمی کنی؟ وی در پاسخ گفت: «هی اکثر من أن تحصر»^۶: فضایل او قابل شمارش نیست.

^۱ ابن حجر عسقلانی درباره اش گفته است: «ثقة عابد». تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۲۶

^۲ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸-۲۹، ح ۵

^۳ ابن حجر درباره اش گفته است: «ثقة حافظ عارف بالقراءات، ورع». تقریب

^۴ المناقب خوارزمی، ص ۲۸۴-۲۸۶، ح ۲۷۹؛ مناقب اهل البيت ابن المغازلی، ص ۲۱۱-۲۱۳، ح ۱۹۱

^۵ المصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۳۷۶؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، ح ۶

^۶ الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۷، ص ۲۲۱، شماره ۲۱۸؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷-۲۸، ح ۳

۵. عبدالله بن عباس از رسول اکرم (ص) روایت کرده که فرمود: «لو أن الفياض أقلام و البحر مداد و الجن حسّ و الإنس کتاب ما احصوا فضایل علی بن ابی طالب»^۷: اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جن محاسبه گر و انس نویسنده باشند، نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب (ع) را شمارش کنند.

۶. وی گفته است: علی بن ابی طالب (ع) دارای دوازده منقبت بود که یکی از آنها برای نجات وی کافی است و او دوازده (و در روایتی سیزده) منقبت ویژه داشت که احدی از این امت آنها را ندارد.^۸

۷. از عمر بن خطاب روایت شده که گفته است: «برای اصحاب محمد (ص) هیجده فضیلت ویژه است که سیزده فضیلت آنها به علی (ع) اختصاص دارد و او در پنج فضیلت با ما شریک بود».^۹

۸. مجاهد گفته است: «علی (ع) دارای هفتاد منقبت ویژه بود که هیچ یک از اصحاب آنها را نداشتند، ولی هیچ فضیلتی در اصحاب نبود که او با آنان شریک نباشد».^{۱۰}

۹. حکیم ترمذی^{۱۱} (قرن سوم هجری) گفته است: «خداوند علی (ع) را به فضیلت های بسیاری بر دیگران برتری داده است».^{۱۲}

مراجعة ۵۰

قطعا فردی مانند شما که تفکری ثاقب و دوراندیش دارد و از موارد و مصادر کلام آگاه و به مقاصد و اهداف آن بینا است، و از بینشی صحیح نسبت به رسول خدا (ص) و حکمت بالغه و خاتمیت نبوت او برخوردار است و از قدر و منزلت او در اقوال و افعالش آگاه است و می داند که ایشان از روی هوا سخن نمی گوید. مقاصد آن روایات و لوازم عرفی و عقلی آنها را از دست نمی دهد. و بر شما که خود در زبان عربی، حجت و صاحب نظر می باشد، پوشیده نیست که آن روایات به علی (ع) منزلت هایی متعالی را اعطا می کند که اعطای آن ها از جانب خدا و پیامبرانش جز به خلفای پیامبران و امنای آنان بر دین و دینداران جایز نیست. اگر

^۷ کفایة الطالب، ص ۲۵۱-۲۵۲، باب ۶۲؛ المناقب خوارزمی، ص ۳۲؛ تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۱۶۸

^۸ المعجم الاوسط، ج ۹، ص ۱۹۸، ح ۸۴۲۸؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵-۲۸، ح ۱ و ۲ و ۳

^۹ مقتل الحسين خوارزمی، ج ۱، ص ۴۵، فصل ۴

^{۱۰} شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸، ح ۴

^{۱۱} قال الذهبي: الحكيم، الامام، الحافظ، العارف، الزاهد، ابو عبدالله محمد بن علي بن الحسن بن بشر، الحكيم الترمذي. سير اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۴، شماره ۲۴۳۴

^{۱۲} نوادر الاصول، ج ۲، ص ۲۰۵. الاصل الثاني و العشرون و المئتان.

بسم الله الرحمن الرحيم

درس امامت بر مبنای کتاب المراجعات، حضرت استاد ربانی گلپایگانی، تاریخ: چهارشنبه، ۱۳۹۷/۰۷/۲۰

مدرسه فقاہت www.eshia.ir

روایات مزبور نسبت به خلافت امیرالمؤمنین (ع) دلالت مطابقی نداشته باشد، دلالت التزامی به لزوم بین بالمعنی الاخص دارند. مقام پیامبر اکرم (ص) پیراسته از این است که آن منزلت های والا را جز به وصی و ولی عهد خود عطا کند.

توضیح: لازمه در دلالت عقلی دو گونه است لزوم بین بالمعنی الاخص و لزوم بین بالمعنی الاعم. آنچه در دلالت لازم است لزوم است اعم از اینکه به معنای اخص باشد یا اعم. لزوم بالمعنی الاخص بدهی است همانند زوجیت برای دو که نیازی به فکر ندارد ، و لزوم بالمعنی الاخص همانند این گزینه است «دو نصف چهار است» که نیازمند به فکر و اندیشه و تصور دو طرف و نسبت است.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد